

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۹

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- **حمایت از قربانیان تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل**
دکتر حسین شریفی طراز کوهی - فاطمه فتح‌پور
۵
- **بررسی فرضیه نسل‌زدایی ایزدی‌های عراق توسط داعش**
دکتر مرتضی جوانمردی صاحب - محمدباقر رستگار مهجن‌آبادی
۴۹
- **اراده آزاد به مثابه رکن مسؤولیت کیفری در جدال سازگارانگاری و ناسازگارانگاری**
دکتر رحیم نوبهار - محمدرضا خط‌شب
۸۷
- **بررسی جرم‌شناختی تأثیر بیماری افسردگی ماژور بر نگرش نسبت به مواد مخدر**
غلامحسین کریمی کهکی - مهری زمان‌زاده بهبهانی
۱۱۵
- **انسجام حقوقی در حقوق کیفری بین‌المللی (با توجه به کثرت در منشأ و ارگان‌های اجرایی - قضایی)**
دکتر علیرضا باقری ایبانه
۱۴۵
- **مفهوم قربانی در حقوق بین‌الملل کیفری**
دکتر سیدابراهیم حسینی - دکتر سیدقاسم زمانی
۱۶۹





مفهوم قربانی در حقوق بین الملل کیفری

دکتر سید ابراهیم حسینی* - دکتر سید قاسم زمانی**

چکیده:

تعیین قربانی در حقوق بین الملل کیفری دارای اهمیت زیادی است. این امر در ارتباط تنگاتنگ با جرم و تعیین جبرانی است که باید انجام شود. در معنای ساده قربانی، شخصی - اعم از حقیقی و حقوقی - است که به خاطر ارتکاب جرایم و جنایات بین المللی متحمل زیان و خسارت شده است. قربانی می تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد؛ در این معنا خانواده و خویشان یک شخص نیز ممکن است به عنوان قربانی شناسایی شوند. متعاقب همین امر، زیان وارده به شخص نیز می تواند دارای انواع مختلفی مثل جسمانی، معنوی، عاطفی، مالی و از این قبیل باشد. جرایم در حقوق بین الملل کیفری معاصر و با توجه به اسناد بین المللی موجود در چارچوب حقوق بشر دوستانه بین الملل، جرایم معاهده‌ای و اساسنامه‌های دیوان‌ها و محاکم کیفری بین المللی به طور رسمی دارای دو دسته از قربانیان قلمداد می شوند. دسته اول، اشخاص حقیقی که عمده قربانیان جرایم و جنایات بین المللی را تشکیل می دهند و دسته دوم، نهادها، سازمان‌ها و به طور خاص اموال فرهنگی هستند. البته، در این میان با توجه به تجارب تاریخی در دو جنگ جهانی و سپس مخاصمات مسلحانه متعدد پس از آن، جامعه بین المللی نیز در سطحی بالاتر همواره به عنوان یک قربانی ضمنی در تمامی جرایم بین المللی قابل توجه است. با این تفسیر به نظر می رسد می توان گفت که در همه جرایم باید زیان وارده به قربانیان جبران شود. به این ترتیب، حتی جرایمی که دارای قربانی نیستند قابل جبران در حق جامعه بین المللی خواهند بود.

کلیدواژه‌ها:

قربانی، حقوق بین‌الملل کیفری، جنایات بین‌المللی، جرایم فراملی.

مقدمه

سابقه حقوق بین‌الملل کیفری به عنوان یک شاخه مستقل از حقوق بین‌الملل عمومی را باید به بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل دادگاه‌های کیفری نورمبرگ و توکیو برگرداند. جایی که نیروهای متفقین، نیروهای شکست‌خورده دولت‌محور را به پای میز محاکمه کشاندند. این در حالی بود که جامعه جهانی برخلاف وقایع بعد از جنگ جهانی اول و پناهندگی و لیهلم دوم، آخرین پادشاه امپراطوری آلمان و پروس به هلند که مانع رسیدگی به جرایم وی شد، این بار دیگر چنین گذشتی را قبول نکرد. وقایع اتفاق افتاده در جریان جنگ جهانی دوم به قدری ناراحت‌کننده بود که جامعه جهانی دیگر نمی‌توانست به شکلی قهرمانانه با آنها برخورد کند.^۱ جنگ جهانی دوم با تلفاتی که در کمترین تخمین‌ها ۳۵ میلیون نفر برآورد می‌شود و در برخی حتی تا شصت میلیون نفر می‌رسد^۲، جنگی خانمان برانداز نه تنها برای دولت‌ها، بلکه بیشتر برای مردمی بود که تحت تأثیر جنگ قرار گرفته بودند.

به این ترتیب، مجازات‌عاملین این جنگ، خود می‌توانست مرهمی بر آلام افرادی باشد که تحت تأثیر قرار گرفته بودند. از این رو، حقوق بین‌الملل کیفری اولین نمود بروز و ظهور خود را در چارچوب این محاکم کیفری بین‌المللی نشان داد. اما سببیت‌های وحشی‌گرانه در جامعه جهانی با خاتمه جنگ جهانی دوم پایان نیافت. این وقایع به کرات در نقاط مختلف دنیا رخ داد و افراد زیادی را تحت تأثیر خود قرار داد. گرایش به سمت جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه داخلی به ویژه در چند دهه اخیر شرایط را برای افراد درگیر در جنگ‌ها دشوارتر نیز نموده است؛ زیرا این امر کمک‌رسانی به این افراد را به شدت تحت تأثیر قرار داده و وضعیت‌های نگران‌کننده و بحرانی را برای آنها به وجود آورده است. وضعیت قربانیان جنگ‌ها به این شکل فقط محدود به کسانی که جان خود را از دست می‌دهند، نخواهد بود، بلکه کسانی که در شرایط سخت زندگی قرار می‌گیرند یا مجبور به ترک خانه و کاشانه خود می‌شوند نیز در شمول این افراد قرار می‌گیرند. برای مثال، بعد از کشتار گسترده هزاران

1. Iryna Marchuk, *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law: A Comparative Study* (London: Springer, 2014), 74.
2. William Hosh, *World War II: People, Politics and Power* (New York: The Rosen Publishing Group, 2010), 183.

توتسی در ۱۹۹۴ در رواندا توسط هوتوها، بیش از یک میلیون غیرنظامی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود و سکونت در کمپ‌های پناهندگان در مرز کنگوی شرقی (زبیر) شدند. آن هم در شرایطی سخت که بالطبع از بسیاری از نیازهای اولیه خود محروم بودند.^۳ این شرایط را می‌توان در اکثر وضعیت‌های بشردوستانه مشاهده کرد. طبق آمار دفتر کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد تا ژوئن ۲۰۱۵ بیش از چهار میلیون نفر سوری در جریان تخصص موجود در این کشور آواره شدند که از این میان سه‌چهارم جمعیت را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.^۴

هدف اولیه حقوق بین‌الملل کیفری بی‌مجازات نماندن مرتکبین جنایات بین‌المللی است، اگرچه در کنار این پیشبرد عدالت کیفری بین‌المللی نیز قرار می‌گیرد.^۵ این هدف را به خوبی می‌توان از مقدمه اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به خوبی مشاهده کرد. برای مثال، در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ذکر شده است: «دیوان ... برای تعقیب و محاکمه اشخاصی که مسؤول نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارتكابی در یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ به بعد بوده‌اند، تشکیل شده است.» بنابراین جایگاه قربانی جرم در حقوق بین‌الملل کیفری تا حدود زیادی حلقه گمشده عدالت کیفری بین‌الملل خواهد بود؛ زیرا وقتی تنها هدف مجازات مرتکبین جرایم است، از همان ابتدا حقوقی که از قربانی ضایع شده، نادیده گرفته می‌شود و وضعیت قربانیان از جرم نهایتاً به وضعیت‌های مشابهی مانند پناهنده تنزل پیدا می‌کند. به این ترتیب، شناسایی قربانیان شدیدترین جنایات بین‌المللی و نقض‌های فاحش فی‌نفسه دارای این اهمیت و ارزش خواهد بود که در وهله اول به تحقق عدالت کیفری بین‌المللی کمک می‌کند و در مرحله بعد این شناسایی برای دانستن اینکه جبران خسارت باید در حق چه کسی باشد، ضرورت پیدا می‌کند. قربانیان جرم عموماً غیرنظامیانی هستند که بدون هیچ چاره‌ای باید نتایج حاصل از یک مخاصمه را تحمل کنند و در این حین متحمل رنج و زیان بی‌شماری اعم از، از دست دادن جان، مال و خانواده خود می‌شوند. اما این تنها یک نگرش ساده به قربانی جرم است. در واقع، روح جمعی جامعه ملی در مرحله اول و روح جامعه جهانی در سطحی وسیع‌تر نیز قربانیان

3. Sarah Lischer, *Dangerous Sanctuaries: Refugee Camps, Civil War and the Dilemmas of Humanitarian Aid* (New York: Cornell University Press, 2005), 1.

4. "United Nations High Commissioner for Refugees", UNHCR, Last Modified December 20, 2015, data.unhcr.org/syrianrefugees/syria.php

5. William A. Shabas, *The Ashgate Research Companion to International Criminal Law* (The Netherlands: Ashgate Publishing, 2013), 451.

6. Statue of ICTY, 1991.

بزرگی به شمار می‌آیند. بنابراین در مطالعه مفهوم قربانیان جرم نباید تنها از بُعد فردی به مسئله نگریست. از این رو، در این مقاله برای شناسایی مفهوم قربانی جرم در حقوق بین‌الملل کیفری این مفهوم از این دو بُعد مورد مطالعه قرار می‌گیرد: بعد فردی که شخص حقیقی قربانی مطابق تعاریف شناخته‌شده را شامل می‌شود و بعد جمعی که اشخاص حقوقی متضرر از جرم اعم از نهادها و جامعه بین‌المللی را دربر می‌گیرد. البته، پیش از این بررسی به مطالعه وضعیت قربانی در نظام‌های حقوق کیفری داخلی پرداخته خواهد شد. پس از این مفهوم قربانی آنچنان که توضیح داده شد، در قالب سه وضعیت مختلف مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. اول، در جایی که شخص قربانی، یک شخص حقیقی است و موضوع جنایات و جرایم بین‌المللی قرار می‌گیرد. دوم، در جایی که قربانی یک شخص حقوقی و به عبارتی نهادها و سازمان‌هایی است که ممکن است موضوع جرم قرار گیرند و سپس جامعه بین‌المللی که هر جرم و جنایت بین‌المللی می‌تواند بر آن تأثیرگذار باشد.

۱- قربانی در نظام‌های حقوق کیفری داخلی

مثلث حقوق کیفری از ابتدا حول سه مفهوم جرم، مجرم و مجازات می‌چرخیده است. شاید از همان ابتدا قربانی جایگاه ویژه‌ای در حقوق کیفری نداشته است، به این شکل که به صورتی مجزاً در قوانین کیفری مورد توجه قانون‌گذاران باشد. این امر همواره قربانی را در رسیدگی‌های کیفری در وضعیتی ضعیف‌تر قرار می‌داده است. حتی در مواردی وضعیت آنها قابل شناسایی نیست. برای مثال، قربانیان جرایم جنسیتی برای حفظ آبرو و حیثیت خود علاقه کمتری به شکایت از مجرمان دارند و این امر باعث عدم رسیدگی به جنایت صورت‌گرفته می‌شود.

به هر ترتیب، هرگاه رنج و سختی یا آسیب و زیانی از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد به فرد زیان دیده از آن، قربانی جرم یا بزه‌دیده می‌گویند.^۷ با این وصف بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده است.^۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، اگرچه در چندین ماده مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم (مواد ۸ تا ۱۸) را مورد توجه

۷. مهرداد رایجیان اصلی، «جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۳ (۱۳۸۷)، ۳۱۵.

۸. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴)، ۱۵ و ۱۶.

قرار داده است ولی در هیچ ماده‌ای تعریفی از قربانی یا زیان دیده از جرم ارائه نمی‌دهد. قانون یا آیین‌نامه دیگری هم در نظام حقوقی ایران به تعریف مفهوم قربانی نپرداخته است. اما در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، بزه‌دیده شخصی است که می‌تواند در فرایند دادرسی کیفری مانند سایر عناصر دخیل دیگر وارد شود و شخصی است که به دلیل جرم، آسیب جسمی و روانی بر او وارد شده است ولی در وقوع جرم نقشی نداشته است.^۹ البته در مقابل این تعریف در نگرشی دقیق‌تر، قانون رفتاری قربانیان ۲۰۱۳ انگلستان ضمن برشمردن حقوق قربانیان جرم و تقسیم‌بندی آنها در چند دسته قربانی را به این ترتیب تعریف می‌کند: «قربانی، شخصی است که دچار زیان شده است، زیان جسمی، روانی، عاطفی یا خسارت اقتصادی که به طور مستقیم از رفتار مجرمانه حاصل شده است.» با این تعریف اعطای وضعیت قربانی به شخص ارتباط کاملی با رفتار مجرمانه پیدا می‌کند. به این ترتیب، حتی اگر رفتار مجرمانه تنها عنصر مادی جرم را شکل دهد و به واسطه عدم تحقق عنصر معنوی جرم تحقق پیدا نکند که در چارچوب حقوق انگلیس این امر متصور است، طبق این قانون رفتاری، وضعیت قربانی تحقق یافته خواهد بود. چنین برداشتی از قربانی، ناشی از یک رویکرد حمایتی به بزه‌دیده است. البته برای این امر شخص بزه‌دیده باید نزد پلیس شکایتی بابت تجربه مستقیم رفتار مجرمانه طرح نماید.^{۱۰} مشابه همین امر در حقوق کیفری فرانسه نیز وجود دارد؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه قربانی دقیقاً چه کسی است، زمانی می‌توان شخص را به عنوان قربانی شناخت که طبق شکایت‌نامه‌ای از پلیس تقاضای رسیدگی کرده باشد. زیرا نهادهایی مانند پلیس به خودی خود توانایی این را ندارند که به هر جرمی رسیدگی کنند. چنین وضعیتی البته به طور ویژه در مورد جرایمی مثل جرایم جنسیتی قابل تصور است.^{۱۱}

در حقوق کیفری ایالات متحده طبق قسمت (ب)(۲)(د) قانون حقوق قربانیان جرم ۲۰۰۴ «قربانی شخصی است که یکی از جرایم قانونی علیه او ارتکاب می‌یابد، اگر وی در اثر جرم کشته شود، قربانی اعضای خانواده یا نماینده قانونی وی خواهد بود»^{۱۲}. با این وجود، مفهوم قربانی بسته به شرایط خاص متغیر است، شرایطی من جمله، تأثیرگذاری شخص قربانی در

۹. علی‌رضا میرکمالی، «جایگاه بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان»، *آموزه‌های حقوق کیفری* ۲ (۱۳۹۰)، ۱۵۲.

10. Code of Practice for Victims of Crime, Ministry of Justice, United Kingdom, 2013, para.13.

11. Wing-Cheong Chan, *Support for Victims of Crime in Asia* (New York: Routledge, 2008), 162.

12. The Crime Victims' Rights Act, 18 U.S.C. § 3771.

ارتکاب جرم، نوع و میزان صدمه وارده، ارتباط قربانی و مجرم. این وضعیت‌ها به دادگاه این اجازه را می‌دهد تا به صورت موردی، وضعیت قربانی را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به تمامی وضعیت‌هایی که قربانی می‌تواند در یک جرم داشته باشد، در قانون حقوق قربانیان جرم به بررسی تمام شرایطی که برای قربانی ممکن است وجود داشته باشد، پرداخته شده است. از مفاد این قانون البته می‌توان برداشت کرد که اعطای وضعیت قربانی به شخص باید دارای چهار ویژگی باشد: ۱) تحقق آستانه صدمه؛ ۲- رابطه علی با رفتار مجرمانه؛ ۳- قربانیان خیالی؛^{۱۳} (واقعی بودن وضعیت قربانی) ۴- تقصیر قربانی؛ (خود شخص موجب تحقق جرم نباشد).^{۱۴}

۲- شخص حقیقی به مثابه قربانی جرم

جرایم شناخته‌شده در عرصه بین‌المللی را باید به دو دسته تقسیم کرد. جنایات بین‌المللی که در محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و جرایم فراملی که محاکم داخلی کشورها صلاحیت رسیدگی بر آنها را دارند. تفاوت عمده‌ای که چنین رسیدگی را ایجاب می‌کند این است که جرایم دسته اول همان‌طور که در مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به آن اشاره شده است، شدیدترین جرایم ارتكابی در عرصه بین‌المللی هستند که همه جامعه بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی که جرایم دسته دوم نه‌تنها دارای چنین شدتی نیستند و نگرانی جامعه بین‌المللی را مانند جرایم دسته اول بر نمی‌انگیزند^{۱۵}، بلکه در محاکم ملی نیز به خوبی به آنها رسیدگی می‌شود. از این جهت که جرایم دسته دوم در معاهدات مختلف و متعدد مورد توجه قرار گرفته‌اند به آنها جرایم معاهده‌ای نیز گفته می‌شود.^{۱۶} این دو دسته از جرایم دارای تفاوت‌های زیادی مثل درجه اهمیت حمایت از منافع ملی و اتخاذ رویکردهای مختلف نسبت به جرایم فراملی و رویکرد تقریباً واحد نسبت به جنایات بین‌المللی هستند.^{۱۷} البته تفاوتی که منشأ تقسیم موضوع در این بخش از مقاله می‌گردد دو موضوع دیگر است. جنایات بین‌المللی از حیث خطر و تعداد قربانیانی که تهدید

13. Imaginary Victim

14. Andrew Nash, "Victims by Definition," *Washington University Law review* 85 (2008): 1439-1457.

15. William A. Shabas, *An Introduction to the International Criminal Court* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007), 83.

16. *Ibid.*, 82

17. Neil Boister, "Transnational Criminal Law," *European Journal of International Justice*, 14 (2003): 953.

می‌کنند در درجه بسیار بالاتری نسبت به جرایم فراملی قرار گرفته‌اند.^{۱۸} برای مثال، جنایت نسل‌کشی به یکباره جان یک نسل را در خطر قرار می‌دهد نه فقط یک گروه خاص و محدود از انسان‌ها.

به هر شکل، مفهوم قربانی در حقوق بین‌الملل کیفری و به طور کلی حقوق کیفری تابع مفهوم جرم است و مستقل از جرم قابل بررسی نیست. چنین دیدگاهی را می‌توان در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی راجع به پرداخت غرامت به قربانیان جرایم خشونت‌آمیز ۲۴ نوامبر ۱۹۴۸ یافت که کشورها باید «به آنهایی که متحمل زیان جسمانی شدید یا لطمه به سلامتی خودشان شده‌اند به صورتی که متناسب به جرم بین‌المللی خشونت باشد» غرامت پرداخت کنند. بنابراین صرف متحمل زیان شدن موجب گرفتن وضعیت قربانی نیست، بلکه آن صدمه باید متناسب و مرتبط با جرم ارتكابی باشد. اما نوع جرم نیز در ماهیت و مفهوم قربانی تأثیرگذار است. از این رو، در این بخش ابتدا مفهوم قربانی در جنایات بین‌المللی و سپس مفهوم قربانی در جرایم فراملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- قربانی در جنایات بین‌المللی

در حقوق بشردوستانه بین‌الملل شخص در کانون توجه قرار گرفته است. در تعریفی از حقوق بشردوستانه آمده است: «مجموعه مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی - اعم از رزمنده یا غیر رزمنده - و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند».^{۱۹} به لحاظ تاریخی نیز این حقوق سابقه نسبتاً بیشتری در چارچوب حقوق بین‌الملل دارد تا حقوق بین‌الملل کیفری. در واقع، حمایت بشردوستانه از فرد در خلال وضعیت‌های بشردوستانه دارای اولویت قابل توجهی در نظام بین‌الملل است. اما در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری، فردی که دچار زیان جانی و مالی شده است چنین محوری ندارد. البته این به معنای نادیده گرفته شدن فرد در این چارچوب به طور کلی نیست. به هر شکل، باید توجه داشت که ایجاد دادگاه‌ها و دیوان‌های کیفری بین‌المللی خود ناشی از دردی است که «بلای جنگ» بر جان انسان‌ها وارد کرده است. اگرچه در اسناد

۱۸. کوک والین، قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی، ترجمه توکل حبیب‌زاده، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۴ (۱۳۸۵)، ۳۳.

۱۹. محمدرضا، ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۲)، ۲۶.

دادگاه‌های توکیو و نورمبرگ اثری از مفهوم قربانی دیده نمی‌شود، ولی در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق واژه قربانی در چند مورد به کار می‌رود. برای مثال، ماده ۲۲ تحت عنوان حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود مقرر می‌دارد: «دیوان بین‌المللی در آیین دادرسی و ادله خود، تدابیر مربوط به حفاظت از قربانیان جرم و شهود را پیش‌بینی خواهد نمود...» این امر که با روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل نیز همراه است، در دیوان کیفری بین‌المللی بیشتر مورد توجه است.

سند قواعد رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۸۵ در تعریف قربانی دو دسته از قربانیان را برمی‌شمارد: دسته اول، افراد و دسته دوم، سازمان‌ها و نهادها. افراد در این نگاه عبارتند از «افرادی که در نتیجه ارتکاب یک یا چند مورد از جرایم مندرج در اساسنامه دیوان متحمل رنج و زیان شده‌اند ... قربانیان ممکن است شامل قربانیان خشونت‌های جنسی، کودکان، معلولین یا اشخاص سالمند باشند. قربانی همچنین می‌تواند شخصی باشد که در نتیجه یک جرم که هدفش دیگری بوده متحمل رنج و زیان شده باشد، مانند عضو خانواده‌ای که کشته شده^{۲۰}». طبق بند الف ماده ۸۵ قربانی یک شخص حقیقی است که بر اساس ماده ۷۵ مهم‌ترین حق آن حق به جبران شدن خسارات وارده به وی است. در این راستا نیز در ماده ۷۹ تشکیل صندوق امانی برای جبران زیان‌های وارده به این اشخاص در نظر گرفته شده است^{۲۱}.

تعریفی که سند قواعد دیوان کیفری بین‌المللی ارائه می‌دهد، طبیعتاً تعریفی وابسته و منطبق با کارکرد دیوان و جرایم داخل در صلاحیت آن است. البته به نظر این تعریف برداشتی از اعلامیه اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ است که در پاراگراف اول بزه‌دیده را شخصی معرفی می‌کند که در پی جرم، به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی - حیثیتی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حق‌های بنیادی خود دچار شده است^{۲۲}. سند مذکور اگرچه به لحاظ حقوقی الزام‌آور نبود، اما به لحاظ سیاسی از درجه بالایی از اعتبار برخوردار بود. همین امر باعث شد که تعریف آن در اسناد مهم کیفری بین‌المللی و منطقه‌ای من جمله اساسنامه روم مورد استفاده

20. "Victims before the ICC," International Criminal Court, (2010). ICC. www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/8FF91A2C-5274-4DCB-9CCE37273C5E9AB4/282477/160910VPRSBookletEnglish.pdf, 9.

21. Conor McCarthy, *Reparations and Victim Support in the International Criminal Court* (Cambridge: Cambridge University Press, 2012), 94.

22. A/Res/40/34, 29 November 1985, Declaration of Basic Principles of Justice of Crime and Abuse of Crime.

قرار بگیرد^{۲۳}. نکته قابل توجه، در تعریف مفهوم قربانی از منشأ شخصیت حقیقی قربانی تقسیم مفهوم به قربانیان مستقیم و غیرمستقیم است. بر پایه پژوهش‌های جرم‌شناسانه، پیامدهای بزه‌دیدگی و شوک برخاسته از آن نه تنها بر شخص بزه‌دیده بلکه بر خانواده بی‌واسطه و خویشاوندان درجه دوم و حتی همسایگان و آشنایان او تأثیر می‌گذارد^{۲۴}. بنابراین شمول قربانیان با واسطه در هر تعریفی از قربانی به ویژه در جنایات بین‌المللی باید به عنوان پیش‌فرضی مسلم مورد پذیرش باشد.

مفهوم قربانی البته یک مفهوم موسّع در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری در عصر حاضر نیست و تا حدی عوامل مضیق‌کننده‌ای نسبت به آن وجود دارد. برای مثال، در سند عناصر دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۱۰ ذیل جنایت جنگی شکنجه به صراحت عنوان نموده است که قربانی باید یک شخص مورد حمایت در یک یا چند مورد از کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ باشد. در این معنا اگر شخص مشمول کنوانسیون‌های ژنو نباشد و عمل شکنجه نسبت به وی صورت پذیرد، به دلیل فقدان عناصر جرم در شمول این بند ماده ۸ اساسنامه قرار نگرفته و قربانی در معنای بند الف ماده ۸۵ قواعد دادگاه نیز مفروض نمی‌شود. در خصوص اشخاص حمایت‌شده باید به دو ماده ۳ مشترک و ماده ۴ کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ اشاره نمود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد: «۱- با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ‌گونه تبعیض نامساعد از نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، جنس، اصل و نسب و یا ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانیت رفتار شود؛ ۲- زخم‌داران و بیماران، جمع‌آوری و تحت معالجه قرار خواهند گرفت.» اما ماده ۴ به صراحت به تعیین شخص مورد حمایت می‌پردازد و بیان می‌دارد: «اشخاصی که در هر موقع و به هر شکل در موقع جنگ یا اشغال به دست دولت داخل در جنگ یا دولت اشغال‌کننده‌ای غیر از دولت متبوع خود می‌افتند تحت حمایت این کنوانسیون‌اند...» به این ترتیب، مشخص می‌گردد که هر شخص حقیقی نیز به عنوان قربانی مورد پذیرش حقوق بین‌الملل کیفری

23. Willem Van Genutgen, Marc Groenhuijsen, "Loopholes, Risks and Ambivalences in International Lawmaking: The Case of a Framework Convention on Victims' Rights," *Netherlands Yearbook of International Law* 37 (2006): 117.

۲۴. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش،

۱۳۹۰، ۲۱۴.

نیست. اما شخص مورد حمایت که در سرزمین یک طرف مخاصمه یافت شود یا در سرزمینی اشغالی اقامت داشته باشد محق به برخورداری از احترام به شخص خود و به حقوق بنیادین غیر قابل سلب خویش می‌باشد. با این اشخاص با انسانیت رفتار خواهد شد و به ویژه در مقابل هرگونه عمل خشونت‌آمیز، ارباب و اهانت حمایت خواهند شد.^{۲۵}

۲-۲- مفهوم قربانی در سایر جرایم بین‌المللی

مفهومی که تا بدین‌جا از قربانی در جایگاه شخص حقیقی بیان شد، با نگرش جدی به وضعیت بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی بود که در اسناد دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی متبلور شده است. اما وضعیت قربانی در حقوق بین‌الملل در عمل فراتر از این رفته و شامل وضعیت‌هایی مثل قربانیان تروریسم، قربانیان قاچاق انسان، ناپدیدسازی اجباری، قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر و از این قبیل نیز می‌شود. در واقع، این دسته از قربانیان در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری از وضعیت پیچیده‌تری نیز برخوردارند. همان‌طور که ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حمایت از کلیه اشخاص در مقابل ناپدیدسازی اجباری بیان می‌کند: «از نظر کنوانسیون حاضر، منظور از ناپدیدسازی اجباری، توقیف، بازداشت، آدم‌ربایی یا هر شکل دیگر محرومیت از آزادی به وسیله مأموران دولت یا اشخاص یا گروه‌های اشخاص است که با مجوز، حمایت یا اطلاع دولت انجام می‌شود و سپس با خودداری از ارائه اطلاعات در خصوص محرومیت از آزادی یا با کتمان سرنوشت یا مکان شخص ناپدیدشده وی را خارج از حمایت قانون قرار می‌دهد.»

به این شکل، شخص ناپدیدشده در عمل از حمایت‌های مندرج در اسناد دیوان‌ها و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برخوردار نیست. به علاوه تضمینی وجود ندارد که دولت‌ها نیز حقوق چنین افرادی را با جدیت پی‌گیری نمایند. همچنین ممکن است این اشخاص خود در ارتکاب جرم ایفای نقش کرده باشند و به این ترتیب، اصلاً حمایتی از آنها به عمل نیاید. برای مثال، در بزه قاچاق مهاجرین، بجز دولتی که قوانین مهاجرتش نقض شده است، مجنی‌علیه دیگری وجود ندارد. اگرچه شخص قاچاق شده ممکن است مورد استثمار قرار گیرد یا با مشکلات فراوان دیگر مثل تعرض جسمی و جنسی به خودش مواجه باشد، اما نهایتاً ارتکاب

۲۵. جمشید ممتاز، فریده شایگان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۴۴.

عمل قاچاق با رضایت خود او صورت گرفته است.^{۲۶} این امر در حالی است که وضعیت قربانی در قاچاق انسان از وضعیت وی در قاچاق مهاجرین تمایز دارد.

با این ملاحظات، وضعیت و دامنه مفهوم قربانی در جرایم فراملی، وضعیت باثباتی نیست و اگر در اسناد بین‌المللی مربوطه تعریف نشده باشد بسته به واکنشی دارد که حقوق داخلی به مفهوم قربانی نشان می‌دهد. بنابراین برخلاف وضعیت قربانی در جنایات بین‌المللی به ویژه در چارچوب دیوان کیفری بین‌المللی که قربانی تعریف شده است، در جرایم فراملی نگرش‌های ملی عاملی است که در اعطای یک وضعیت مشخص به قربانی خلل ایجاد می‌کند و حمایت یکپارچه از وی تنها در صورتی ممکن خواهد بود که کشورها در یک سند واحد در تعریف آن به اجماع دست پیدا کنند. به همین دلیل وضعیت برخی اعمال که هنوز در عرصه بین‌المللی به مرحله جرم‌انگاری نرسیده‌اند، شرایط نگران‌کننده‌ای را ایجاد می‌کند. برای مثال، قربانیان تروریسم از مهم‌ترین کسانی هستند که ذیل این موضوع قرار می‌گیرند. قربانیان تروریسم معمولاً قربانیانی از یک جنس یا یک گروه خاص نیستند حتی نوع آسیبی که به آنها وارد می‌شود، یکسان نیست، بنابراین نمی‌توان یک بسته حمایتی قانونی یکسان برای همه کشورها برای آن ارائه داد، به ویژه آنکه اتفاق نظری در تعریف خود مفهوم تروریسم وجود ندارد. حتی در کنوانسیون‌های لازم‌الاجرای بین‌المللی مثل کنوانسیون ۱۹۷۷ اروپایی در مورد الغای تروریسم تنها موارد آن احصاء می‌شود و تعریفی ارائه نمی‌شود.^{۲۷} قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد نیز از درجه کافی الزام‌آوری برخوردار نیستند و به بیان دقیق‌تر تنها تروریسم را به عنوان یک جرم بین‌المللی معرفی می‌کنند. در واقع، بهترین حمایتی که از آنها می‌توان به عمل آورد ایجاد شرایطی برای استماع ناراحتی‌های آنهاست.^{۲۸}

به این ترتیب، در قلمرو جرایم فراملی، شناسایی شخص قربانی دارای پیچیدگی‌های زیادی است. چون در وهله اول، تعریفی واحد از شخص قربانی وجود ندارد، چون نظام کیفری و جرم‌انگاری واحدی وجود ندارد. با این حال، در برخی موارد مفهوم قربانی دقیقاً تعریف شده است. که از جمله می‌توان به اعلامیه اصول بنیادی ۱۹۸۵ اشاره کرد که پیش از این ذکر آن رفت. یا می‌توان به اصول اساسی و دستورالعمل‌های حق به جبران و پرداخت غرامت به

۲۶. عباس ذاقلی، *قاچاق انسان* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)، ۳۱.

۲۷. آندره بوسار، *بزهکاری بین‌المللی*، ترجمه نگار رخشانی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵)، ۲۰.

28. United Nations Office on Drug and Crime, *The Criminal Justice Response to Support Victims of Acts of Terrorism* (New York: United Nations Publishing, 2011), 12.

قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بشردوستانه بین‌الملل^{۲۹} در پاراگراف ۸ اشاره کرد: «قربانیان اشخاصی هستند که به طور فردی یا جمعی متحمل زیان شده‌اند، که این زیان اعم است از زیان جسمی یا روانی، عاطفی، اقتصادی یا ایراد صدمه جدی به حقوق بنیادی از طریق فعل یا ترک فعل‌هایی که نقض فاحش حقوق بشر بین‌الملل یا حقوق بشردوستانه بین‌الملل هستند...»

۳- نهادها و سازمان‌ها

در دادگاه‌های نظامی نورمبرگ و توکیو که اشخاص حقیقی سمتی به عنوان بزه‌دیده نداشتند و مفهوم قربانی هنوز تعریف نشده بود، دولت‌ها در جایگاه بزه‌دیده قرار گرفته و متضرر اصلی ناشی از جنایات ارتكابی داخل در صلاحیت این دو دیوان بودند. دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو، در اوج افکاری ایجاد شدند که دولت را تنها حاکم بر سرنوشت دعوای جزایی و در واقع بزه‌دیده جرم تلقی می‌نمود که با توجه به مسؤولیت استقرار و حفظ نظم در جامعه که به آنان محول شده است، باید نقش اصلی را در این نوع دعوای ایفاء نمایند^{۳۰}. بعدها این رویکرد به تدریج کمرنگ‌تر شد تا اینکه در دیوان کیفری بین‌المللی تعریفی مشخص‌تر از مفهوم شخصیت حقوقی به عنوان بزه‌دیده به دست آمد.

دبیرخانه دیوان کیفری بین‌المللی در کتابچه‌ای جبران خسارت را شخصی و جمعی معرفی می‌کند. جبران خسارت جمعی امتیازی است که برای کلیت جامعه زیان‌دیده مدنظر قرار گرفته شده است که کمک می‌کند کل جامعه زندگی خود را بازسازی کند^{۳۱}. به همین ترتیب، طبق بند ۲ ماده ۸۵ قواعد دیوان کیفری بین‌المللی قربانی جرم را فقط اشخاص حقیقی تشکیل نمی‌دهد، بلکه نهادها و سازمان‌ها نیز ممکن است قربانی واقع شوند: «قربانیان ممکن است شامل سازمان‌ها یا نهادهایی باشند که متحمل زیان مستقیم به اموالشان می‌شوند که به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری یا علمی یا خیریه و به بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگر محل‌ها و اشیای مربوط به اهداف بشردوستانه اختصاص دارد.» عبارت «ممکن است شامل شوند» بدین معناست که مفهوم قربانی در درجه اول، شامل اشخاص حقیقی است و اصل بر قربانی بودن آن است و این نوع قربانیان فرع بر آن هستند. همچنین نهاد یا سازمان باید به

29. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and International Humanitarian Law.

۳۰. لیل‌اسادات اسدی، حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱)، ۵۷.

31. ICC Registry Office, *Understanding of International Criminal Court* (Hague: Public Information and Documentation Section of ICC, 2016), 44.

خوبی شناسایی شده باشد. به عبارت دیگر، وضعیت آن نهاد یا سازمان باید به عنوان نهاد یا سازمان مورد حمایت به رسمیت شناخته شده باشد.^{۳۲} در تعیین وضعیت قربانیان در قضایای موتورآرا، کنیاتا و علی در قضیه کنگو دیوان علاوه بر شرط تعیین هویت برای قربانیان دو شرط دیگر نیز مقرر نمود. عرض حال توصیف شده توسط قربانی باید منطبق با جرایم صلاحیت موضوعی دیوان باشد و ضرر وارده ضرر مستقیم و در اثر جرم ایجاد شده باشد.^{۳۳} تا امروز و در پرونده‌های مطرح شده در دیوان کیفری بین‌المللی هنوز این موارد در خصوص شخص حقوقی مورد بررسی قرار نگرفته است. به علاوه، در عمل هم این مشکل وجود دارد که «شخصی که از طرف» شخص حقوقی دادخواست‌ها را باید ارائه نماید، مشخص نشده است. البته، این مشکل در خصوص شخص حقیقی هم وجود دارد. در واقع، قواعد دیوان مشخص نکرده‌اند که در صورت عدم امکان حضور قربانی واقعی چه کسی می‌تواند برای او احقاق حق کند.^{۳۴} بنابراین در عمل، حداقل تا به امروز شخص حقوقی به عنوان قربانی مفهوم معینی نداشته است. تعیین سازمان‌ها و نهادها به عنوان قربانیان جرایم در دیوان کیفری بین‌المللی بیشتر از هر چیز ناشی از این تصور ابتدایی در میان تدوین‌کنندگان قواعد دادگاه بود که شخصیت‌های حقوقی اغلب هدف برخی از جرایم جنگی قرار می‌گیرند.^{۳۵} برای مثال، ماده ۸(ب)(۹) مقرر داشته است: «هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر آنکه آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند.»

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در بند د ماده ۳ مقررات مشابهی را در این خصوص دارد، اگرچه از این اموال تحت عنوان قربانی یاد نمی‌کند: «تصرف، تخریب یا وارد کردن خسارت عمدی به مؤسساتی که به امور مذهبی، خیریه و آموزشی اعم از علوم و فنون اختصاص داده شده، همچنین بناهای تاریخی و آثار هنری و علمی.» بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که صرف حمله به یک مدرسه خالی

32. Guran Sluiter, *International Criminal Procedure; Rules and Principles* (London: Oxford University Press, 2013), 1301.

33. Decision on Victims' Participation at the Confirmation of Charges Hearing and in the Related Proceedings, Muthaura, Kenyatta and Ali (ICC-01/09-02/11-267), Pre-Trial Chamber II, 26 Aug. 2011, para. 40.

34. Carla Ferstman, *The Participation of Victims in International Criminal Court Proceedings* (London: RESRESS Trust, 2012), 12.

35. Elizabeth Baumgartner, "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court," *International Review of Red Cross* 90 (2008): 419.

موجب قربانی شناخته شدن آن مدرسه نخواهد بود. البته در این چارچوب نیز سند عناصر اساسنامه دیوان برای تعیین وضعیت اهداف حمایت‌شده به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ارجاع می‌دهد. در چارچوب حقوق بشردوستانه کلیه اموال غیرنظامی و غیرمنقول که منفرداً یا مشترکاً متعلق به اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی باشند - حتی اموال غیرنظامی متعلق به بخش عمومی و دولتی به شرطی که در زمره هدف‌های نظامی نباشند، تحت حمایت عام حقوق بشردوستانه قرار دارند^{۳۶}. این حمایت در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی یکم ۱۹۷۷ (اصل برخورداری از احترام و حمایت بنیادین) و ماده ۱۴۷ عهدنامه چهارم (ممنوعیت تصرف، تخریب یا انهدام، مگر انهدام آنها به دلیل یک ضرورت مبرم نظامی ناشی از درگیری مسلحانه باشد) ذکر شده است.

در همین راستا، اعلامیه مربوط به تخریب میراث فرهنگی بین‌المللی یونسکو سال ۲۰۰۳ توضیح و تبیین مفصل‌تری در رابطه با اموال مورد حمایت ارائه می‌دهد. عنصر کلیدی و مهمی که در این سند، عاملی برای تعیین وضعیت این اموال به عنوان قربانی جنایات بین‌المللی به شمار می‌رود، عنصر «تخریب عمدی» است. طبق بند ۲ ماده ۲ این اعلامیه تخریب عمدی عبارت است از «فعلی که برای تخریب کلی یا جزئی میراث فرهنگی صورت گرفته». در این سند نقض تعهدات مندرج در سند منجر به مسؤولیت دولت و مسؤولیت کیفری فردی قلمداد شده است که علاوه بر درخواست از کشورها برای جرم‌انگاری چنین اعمالی بر این امر نیز تأکید دارد که این اعمال طبق مواد ۸(ب)(۲) و ۸(۲)(ه) (۴) اساسنامه روم و ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق قابل رسیدگی است. ریشه این اعلامیه در تخریب دو مجسمه بزرگ بودایی‌ها بود که باعث ناراحتی جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل گردید^{۳۷}. اما چرایی حمایت از این اموال همان‌طور که در مقدمه کنوانسیون حمایت اموال فرهنگی هنگام مخاصمه مسلحانه ۱۴ می ۱۹۵۴ بیان شده، این مسئله است که «لطمه به اموال فرهنگی هر قوم به منزله لطمه به اموال فرهنگی کلیه بشر می‌باشد».

نکته لازم به یادآوری مالکیت اموال است. دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه امبروشیمانا این نکته را متذکر می‌شود که «مال مورد نظر ممکن است منقول یا غیرمنقول، خصوصی یا

۳۶. ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پیشین، ۱۴۲.

37. Barbara T.Hoffman, *Art and Cultural Heritage: Law, Policy, and Practice* (New York: Cambridge University Press, 2006), 37.

عمومی باشد، اما به هر حال باید متعلق به افراد یا نهادهایی باشد یا دعوایی در مالکیت آن وجود داشته باشد.^{۳۸} بنابراین در خصوص هر نوع مالی که مورد تخریب واقع شده باشد، ضرورتاً باید مالکیت آن مشخص باشد. تعیین این مالکیت از حیث جبران خسارت دارای اهمیت است؛ زیرا مشخص می‌سازد که جبران باید در حق شخص خصوصی باشد یا عمومی. در صورتی که شخص مالک اموال، شخص حقیقی باشد، طبیعتاً در شمول بند الف ماده ۸۵ قرار می‌گیرد اما در صورتی که شخص، شخصی حقوقی باشد به عنوان این نوع قربانی شناسایی می‌شود.

۴- جامعه بین‌المللی

نگاه به مفهوم قربانی جرم از منظر جامعه بین‌المللی آن هم به عنوان یک رویکرد قانونی، به نظر نگاهی زودرس باشد. چرا که جامعه بین‌المللی یک نظام سازمان‌یافته ندارد که بتواند جبران خسارتی که به خودش وارد شده را مطالبه کند. بنابراین چنین تصویری با این چالش روبرو خواهد بود که دولت‌ها و حقوقدانان آن را به عنوان یک نگرش ثابت نپذیرند. اما تجربه تاریخی ثابت کرده است که در مواردی جامعه بین‌المللی بزرگ‌ترین قربانی جرایم بین‌المللی بوده است. جامعه بین‌المللی به ویژه در جریان دو جنگ جهانی وقایعی را تجربه کرد که وجود اعضای آن را به طور کلی به خطر انداخت. به همین دلیل نیز در آغازین عبارات در منشور ملل متحد خود را بزرگ‌ترین قربانی جنگ‌های بزرگ نشان داد: «ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده ...». از این رو، دخالت جامعه بین‌المللی در تعقیب و مجازات جرایم شدید بین‌المللی در وهله اول، و حداقل امکان فرار مرتکب را محدود می‌سازد.^{۳۹}

باید متذکر این نکته نیز شد که جرم، عمل متخلفانه‌ای علیه جامعه و نقض حقوق فردی شخص قربانی توأمان است.^{۴۰} به این ترتیب، جامعه به هر حال از ارتکاب جرم متضرر می‌گردد. بنابراین دادرسی و مجازات مرتکب اغلب یک خواسته جهانی به ویژه در مقابل

38. Decision on Confirming Charges, Situation in the Democratic Republic of the Congo, in the Case of the Prosecutor v. Callixte Mbrushimana, ICC-01/04-01/10, 16 December 2011 para. 171.

۳۹. لیل‌اسادات اسدی، حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، ۳۳.

40. Directive 2012/29/EU of the European Parliament and of the Council of 25 October 2012, Establishing Minimum Standards on the Rights, Support and Protection of Victims of Crime, and Replacing Council Framework Decision 2001/220/JHA, para, 9.

تخلفات شدید است^{۴۱}. این امر از آنجا ناشی می‌شود که حقوق کیفری فی‌نفسه رابطه میان واردکننده زبان و زبان دیده مستقیم نیست^{۴۲}، بلکه عموم جامعه نیز از ارتکاب جرم متحمل زبان می‌گردد. این بُعد از مفهوم قربانی شاید در جرایمی که یک قربانی فردی مشخص دارد کمتر احراز می‌گردد. اما در مورد جرایمی که جنبه خصوصی ندارد، به طور خاص جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در نظام‌های حقوق داخلی معمولاً جرایمی که دارای جنبه عمومی هستند تعریف می‌شوند. جنبه عمومی، دعوی عمومی را نیز موجب می‌شود، یعنی تعقیب کیفری متهم به ارتکاب جرم، از سوی دادستان به نمایندگی از جامعه^{۴۳}. بنابراین مشاهده می‌شود که در حقوق کیفری داخلی، شناسایی جامعه به عنوان قربانی با هیچ مانعی روبرو نیست.

اما جامعه زمانی می‌تواند به عنوان قربانی مطرح باشد که ماهیت و چهارچوب آن در اثر ارتکاب یک جرم به خطر افتاده باشد. یا جرم ارتكابی به اندازه‌ای شدید باشد که جامعه نتواند آن را نادیده بیانگارد. وقایع جنگ جهانی دوم، همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد دارای چنین شرایطی بود. جامعه به عنوان یک نظام اجتماعی از تعاملات و معاملات مستمر و در جریان و روابط ساختارمند کنشگران تعریف می‌شود. جامعه بین‌المللی نیز در چارچوب همین تعریف قرار می‌گیرد^{۴۴}. جامعه بین‌المللی متشکل از تمامی کشورها و البته تمامی انسان‌هاست. بدین ترتیب، دامنه بسیار گسترده‌ای از روابط را شامل می‌شود. روابطی که به ویژه در دوران معاصر بسیار پیچیده و درهم تنیده نیز شده است. با این توصیف، ایجاد خلل در یک قسمت از این جامعه بدون تردید به قسمت‌های دیگر هم سرایت خواهد کرد. بنابراین ارتکاب جنایات بین‌المللی صلح، امنیت و خوب بودن جهان را تهدید می‌کند، وجدان بشریت را شوکه می‌کند؛ مسائلی که مربوط به کل جامعه بشر می‌شوند^{۴۵}. برای برخورد با چنین وضعیتی، این رویکرد در حقوق بین‌المللی کلاسیک به این صورت ابتدایی وجود داشته است که دادگاه‌های ملی در اجرای حقوق بین‌الملل، نمایندگان جامعه بین‌المللی هستند^{۴۶}. این رویکرد به این معناست که

41. M. Antkowiak, Markus, "An Emerging Mandate for International Courts: Victim-Centered Remedies and Restorative Justice," *Stanford Journal of International Law* 47 (2011): 283.

42. Gabriel Hallevey, "Victim's Complicity in Criminal Law," *International Journal of Punishment and Sentencing* 22 (2006): 10.

۴۳. علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، ۱۳۹۱)، ۲۵.

44. Dino Kristiotis, "Imagine International Community," *European Journal of International Law* 13 (2002): 962.

45. Jo-Anne M. Wemmers, *Reparation for Victims of Crimes Against Humanity* (London: Routledge, 2014), 92.

46. REDRESS Institution, *Legal Remedies for Victims of International Crimes*, (EU

جامعه بین‌المللی از وقوع یک جرم متحمل زیان می‌شود. دیوان عالی رژیم صهیونیستی در قضیه آیشمن به این موضوع اشاره می‌کند و بیان می‌دارد:

«نه تنها همه جنایات منتسب به تجدیدنظرخواه دارای ویژگی بین‌المللی هستند، بلکه، آنها جرایمی شیطانی و با تأثیرات مرگبارند که به قدری گسترده‌اند که می‌توانند ثبات جامعه بین‌المللی و مبانی آن را به خطر بیندازند».^{۴۷}

دادگاه‌ها و دیوان‌های کیفری بین‌المللی اصولاً از طرف جامعه بین‌المللی به جرایمی که وجدان بشریت را خدشه‌دار می‌کند، رسیدگی می‌کنند. اما این به معنای پذیرش جامعه بین‌المللی به عنوان قربانی نیست. از طرف دیگر، این امر هم به معنای ردّ این مفهوم نیست. نمونه‌ای از پذیرش جامعه بین‌المللی به عنوان قربانی جنایات بین‌المللی، اصل صلاحیت جهانی است که به معنای پیگرد یک جرم مخاطره‌انگیز توسط همه دولت‌ها صرف‌نظر از تابعیت مجرم یا قربانی است و متضمن این معناست که جامعه بین‌المللی در اثر ارتکاب جرم متحمل چنان زبانی شده است که نظام آن را تهدید می‌کند^{۴۸} و همه اعضای این جامعه مکلف‌اند در قبال قربانی شدن جامعه‌شان واکنش نشان دهند.

نتیجه

اصطلاح قربانی در حقوق بین‌الملل، اصطلاحی شناخته شده است. این واژه را نمی‌توان به دقت مقابل واژه بزه‌دیده در حقوق کیفری داخلی قرار داد. این امر به نظر از ماهیت بسیار حساس جامعه بین‌المللی و ارکان و اعضای آن نسبت به وقایع و حوادث بیرونی ناشی می‌شود. وقوع جنگ‌های بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه داخلی که به سبب جاه‌طلبی حکام مستبد رخ می‌دهد، جان میلیون‌ها انسان را به ویژه از جنگ جهانی اول به بعد گرفته و با تهدید کرده است. این اعمال بسیاری از آثاری هنری و باستانی را تخریب و به زیرساخت‌های کشورها لطمه‌های جدی وارد کرده است. در بسیاری از موارد سازوکاری که بتواند از این خسارات جلوگیری کند و یا آنها را جبران نماید، وجود نداشته است.

کارکرد مهم حقوق بین‌الملل کیفری جبران خسارات و برقراری عدالت کیفری است. این کارکرد، از طریق جرم‌انگاری جرایم و جنایات بین‌المللی انجام می‌شود تا خساراتی که به

Community Fund and Grotius II Programme of the European Commission, 2004), 3.

47. Supreme Court of Israel, Criminal Appeal No. 336/61, Adolf Eichmann vs The Attorney General, Appeal Session 7, para. 11 (f).

۴۸. محمدجواد شریعت‌باقری، حقوق کیفری بین‌المللی (تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۸)، ۱۰۹-۱۰۷.

اشخاص حقیقی و حقوقی وارد آمده است، جبران شود. در این میان قربانی‌ترین قربانیان اشخاص حقیقی هستند که در طول ارتکاب جرایم و جنایات بین‌المللی متحمل زیان‌های جدی شده‌اند. جبران این افراد به طرق مختلفی از جمله پرداخت غرامت یا عذرخواهی یا ایجاد شرایطی برای شنیده شدن و از این قبیل تحقق می‌یابد. در خصوص جنایات بین‌المللی به ویژه از دهه پایانی قرن بیستم تلاش‌های زیادی برای جبران خسارات وارده به این قربانیان صورت گرفت، اما در خصوص جرایم فراملی حقوق بین‌الملل کیفری تاکنون توانایی واکنش چندانی نداشته است؛ زیرا که این امور به دامنه آن ربطی ندارد و مربوط به حقوق داخلی کشورها می‌شود.

اما نکته قابل توجه در حقوق بین‌الملل کیفری معاصر این است که علاوه بر اشخاص حقیقی اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عنوان قربانی شناسایی شوند. نهادها و سازمان‌های حقوقی مثل بیمارستان‌ها، مدارس، آثار باستانی و هنری و از این قبیل نیز قربانی تلقی می‌شوند. جامعه بین‌المللی، در حال حاضر دارای ویژگی‌های یک جامعه، آنگونه که در عرصه دولتی است، نمی‌باشد. به همین دلیل شناسایی وضعیت قربانی برای آن دشوار است. اهمیت این شناسایی در اینجاست، که اعطای وضعیت قربانی به آن امکان رسیدگی کیفری را برای نهادهای صالح به بار خواهد آورد، اما در عصر حاضر نه چنین نهاد کیفری بین‌المللی وجود دارد و نه کشورها به چنین امری رضایت می‌دهند. با این حال می‌توان این امکان را متصور بود که با توجه به خسارات عمده‌ای که به آن وارد می‌شود، در آینده‌ای نه چندان دور به چنین وضعیتی دست پیدا کند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- اسدی، لیلاسادات. حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- بوسار، آندره. بزهکاری بین‌المللی. ترجمه نگار رخشانی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
- ذاقلی، عباس. قاجاق انسان. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- رایجیان اصلی، مهرداد. «جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی». مجله پژوهشهای حقوقی ۱۳ (۱۳۸۷): ۳۱۵-۳۳۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد. بزه‌دیده‌شناسی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- شریعت‌باقری، محمدجواد. حقوق کیفری بین‌المللی. تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۸.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۲.
- کنوناسیون اروپایی راجع به پرداخت غرامت به قربانیان جرایم خشونت‌آمیز ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳.
- کنوناسیون بین‌المللی مربوط به حمایت از کلیه اشخاص در مقابل ناپدیدسازی اجباری ۲۰۰۶.
- کنوناسیون حمایت اموال فرهنگی هنگام محاصره مسلحانه ۱۴ می ۱۹۵۴.
- ممتاز، جمشید، فریده شایگان. حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- منشور ملل متحد ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵.
- میرکمالی، علیرضا. «جایگاه بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان». آموزه‌های حقوق کیفری ۲ (۱۳۹۰): ۱۴۹-۱۷۲.
- والین، کوک. قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی. ترجمه توکل حبیب‌زاده، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۴ (۱۳۸۵): ۲۳۳-۱۹۵.

ب. منابع انگلیسی

- A. Shabas, William. *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge Cambridge University Press, 2007.
- A. Shabas, William. *The Ashgate Research Companion to International Criminal Law*. The Netherlands Ashgate Publishing, 2013.
- Baumgartner, Elizabeth. "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court." *International Review of Red Cross* 90 (2008) 409-440.
- Boister, Neil. "Transnational Criminal Law." *European Journal of International Justice*.

14 (2003): 953-76.

Chan, Wing-Cheong. *Support for Victims of Crime in Asia*. New York: Routledge, 2008.

Code of Practice for Victims of Crime, Ministry of Justice, United Kingdom, 2013.

Decision on Confirming Charges, Situation in the Democratic Republic of the Congo, in the Case of The Prosecutor v. Callixte Mbrushimana, ICC-01/04-01/10, 16 December 2011.

Decision on Victim's Participation at the Confirmation of Charges Hearing and in the Related Proceedings, Muthaura, Kenyatta and Ali (ICC-01/09-02/11-267), Pre-Trial Chamber II, 26 Aug. 2011, para. 40.

Directive 2012/29/EU of the European Parliament and of the Council of 25 October 2012, Establishing Minimum Standards on the Rights, Support and Protection of Victims of Crime, and Replacing Council Framework Decision 2001/220/JHA.

Ferstman, Carla. *The Participation of Victims in International Criminal Court Proceedings*. London: RESRESS Trust, 2012.

Halleve, Gabriel. "Victim's Complicity in Criminal Law." *International Journal of Punishment and Sentencing* 22 (2006): 409-440.

Hosh, William. *World War II: People, Politics and Power*. New York: The Rosen Publishing Group, 2010.

ICC Registry Office. "Understanding of International Criminal Court, Hague: Public Information and Documentation Section of ICC." Accessed August 21, 2017. <https://www.icc-cpi.int/iccdocs/PIDS/publications/UICCEng.pdf>.

International Criminal Court, "Victims before the ICC". (2010). ICC. www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/8FF91A2C-5274-4DCB-9CCE37273C5E9AB4/282477/160910VPRSSBookletEnglish.pdf.

Kristiotis, Dino. "Imagine International Community." *European Journal of International Law* 13 (2002): 961-92.

Lischer, Sarah. *Dangerous Sancturries: Refugee Camps, Civil War and the Dilemmas of Humanitarian Aid*. New York: Cornell University Press, 2005.

M.Antkowiak, Markus. "An Emerging Mandate for International Courts: Victim-Centered Remedies and Restorative Justice." *Stanford Journal of International Law* 47 (2011): 279-332.

M.Wemmers, Jo-Anne. *Reparation for Victims of Crimes Against Humanity*. London: Routledge, 2014.

Marchuk, Iryna. *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law; A Comparative Study*. London: Springer, 2014.

McCarthy, Conor. *Reparations and Victim Support in the International Criminal Court*. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.

Nash, Andrew. "Victims by Definition." *Washington University Law Review* 85 (2008): 1419-61.

REDRESS Institution, Legal Remedies for Victims of International Crimes, Brussels: EU Community Fund and Grotius II Programme of the European Commission, 2004.

Sluiter, Guran. *International Criminal Procedure; Rules and Principles*. London: Oxford University Press, 2013.

Supreme Court of Israel, Criminal Appeal No. 336/61, Adolf Eichmann vs The Attorney General, Appeal Session 7, para. 11 (f).

T.Hoffman, Barbara. *Art and Cultural Heritage: Law, Policy, and Practice*. Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

UNESCO Declaration Concerning the Intentional Destruction of Cultural Heritage, 17

October 2003.

UNGA, A/Res/40/34, 29 November 1985, Declaration of Basic Principles of Justice of Crime and Abuse of Crime

UNHCR. "United Nations High Commissioner for Refugees." Last Modified December 20, 2015, data.unhcr.org/syrianrefugees/yria.php.

United Nations Office on Drug and Crime. *The Criminal Justice Response to Support Victims of Acts of Terrorism*. New York: United Nations Publishing, 2011.

Van Genutgen, Willem, Marc Groenhui sen. "Loopholes, Risks and Ambivalences in International Lawmaking The Case of a Framework Convention on Victim's Rights." *Netherlands Yearbook of International Law* 37 (2006): 108-154.

Concept of Victim in International Criminal Law

Dr. Seyed Ebrahim Hosseini

Department of Law, Boukan Branch, **Islamic Azad University**, Boukan, Iran,

Email: ehosseini85@gmail.com

&

Dr. Seyed Ghasem Zamani

Associate Professor of Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,

Email: drghzamani@gmail.com

Defining the concept of victim in international criminal law has a considerable significance in terms of its tight relations with crime and reparation that must be paid to victim. In simple meaning, victim is a person - natural or legal - suffered from perpetration of international crimes. Persons could be victimized both directly and indirectly; in this sense, family and relatives of a direct victim also could be known as victims. Subsequent to this, suffered incurred could be physical, psychological, mental, emotional, financial and etc. According to instruments in humanitarian law and statute of international criminal court and other international criminal tribunal, there are two categories of victims; first, natural persons that they are the main victims of international crimes and second, institutions, organizations and sometimes cultural properties. Of course, international community as history shown also can be introduced as a permanent victim in every international crime. Thus, any kind of damage incurred to any of these victims must be repaired when an international crime committed against them. Generally speaking, it could be said that damages could be repaired even in situations that there is no direct victims because there is always an international community.

Keywords: Victim, International Crime, Natural Person, Legal Person, International Community.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. V, No. 1

2017-1

- **Protection of Terrorism Victims in the Light of Humanization Process of International Law**
Dr. Hossein Sharifi Tarazkouhi & Fatemeh Fathpour
- **The Survey of Yezidis' Genocide by ISIS in Iraq**
Dr. Mortaza Javanmardisaheb & Mohammad Bagher Rastegar Mahjanabadi
- **Free Will as the Foundation of Criminal Responsibility in the Debate between Compatibilism and Incompatibilism**
Dr. Rahim Nobahar & Mohammadreza Khatteshab
- **Criminological Study the Impact of Major Depressive Disorder on Attitudes toward Drugs**
Gholamhosein Karimi kohaki & Mehri Zamanzadeh Behbahani
- **The Legal Coherence in International Criminal Law (According to the Multiplicity of Institutions and Origins)**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh
- **Concept of Victim in International Criminal Law**
Dr. Seyed Ebrahim Hosseini & Dr. Seyed Ghasem Zamani



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study

www.SID.ir